

Metaphors by Iranian Youth about Marriage based on Metaphorical Theory

Kowsar Dehdast¹

1. (Corresponding Author), Assistant Professor of counseling, Department of counseling, Refah College University, Iran, Tehran.

ABSTRACT

Received: 11/07/1399 - Accepted: 07/10/1400

Aim: The aim of this study was to investigate young people's metaphors of "marriage" based on the cognitive metaphorical theory of Lakoff and Johnson. **Methods:** In line with the goal of this research, and in order to obtain the lived experiences of individuals, phenomenological methodology in qualitative study was used. The study population was married youth who volunteered to be interviewed in this field and based on the principle of theoretical sampling and data saturation, 13 people were interviewed. **Results:** This study showed how the Iranian youth understand the concept of marriage in such a way that the nature of marriage is a purposeful journey that is created by spouses. The existence of origin, destination, purposefulness, human corridor and movement, and finally the necessities of a healthy and successful transition to this destination, is seen positively to explain "way" as my nickname "marriage". **Conclusion:** Findings indicate that in this regard, the approach of educational counseling should be resorted to, in addition to the purpose and destination of the couple in marriage, their goals in life in terms of value and semantic changes in society and discourses involving spouses around the concept of marriage was examined.

Keywords: Marriage metaphor, cognitive metaphor theory, phenomenology, Iranian youth



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۱، شماره ۸۱، بهار ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v21i81.9489

استعاره‌های جوانان ایرانی از ازدواج مبتنی بر نظریه استعاره‌شناختی

کوثر دهدست^۱

۱. (نویسنده مسئول)، دکتری مشاوره، استادیار گروه مشاوره، دانشکده رفاه، تهران، ایران.

(صفحات ۵-۳۸)

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی استعاره‌های جوانان از "ازدواج" مبتنی بر نظریه استعاره شناختی لیکاف و جانسون انجام شد. **روش:** رویکرد تحقیق حاضر کیفی است که با توجه به هدف مطالعه و دست یابی به تجارب زیسته‌ی افراد، از روش پدیدار شناسی استفاده کردیم. جامعه مورد مطالعه جوانان متأهل و مجردی بودند که در این زمینه تمایل به مصاحبه داشته و بر اساس اصل نمونه‌گیری نظری و اشباع داده‌ها با ۱۳ نفر مصاحبه‌ها صورت گرفت. **یافته‌ها:** این بررسی چگونگی برداشت و درک جوانان ایرانی از مفهوم ازدواج را اینگونه نشان داد که ماهیت ازدواج، یک راه و مسیر هدفدار است که توسط همسران قابلیت ساخته و خلق شدن آن وجود دارد. وجود مبدأ، مقصد، هدفمندی، راهرو انسانی و حرکت و در نهایت ملزومات طی گذار سالم و موفق این راه به سمت مقصد، برای تبیین "راه" به مثابه مستعار منه "ازدواج" به خوبی دیده می‌شود. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها بیانگر آنند در این زمینه باید به رویکرد مشاوره تربیتی- آموزشی متوسل شد که هم زمان علاوه بر هدفمندی و مقصد حرکت زوجین در ازدواج، اهداف آنها در زندگی را در زمینه تغییرات ارزشی و معنایی ایجاد شده در اجتماع و گفتمان‌های دربرگیرنده همسران حول مفهوم ازدواج و زندگی مشترک نیز بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: استعاره ازدواج، نظریه استعاره شناختی، پدیدار شناسی، جوانان ایرانی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

مقدمه

خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از پیوند زناشویی زن و مرد شکل گرفته و از طریق تولید مثل و پرورش فرزندان تداوم میابد (ادالتی و ردزوان^۱، ۲۰۱۰) رویداد ازدواج ورود به مرحله جدیدی از زندگی بوده و در همه جوامع رسمی مهم تلقی می‌شود (ماداتیل و بنشوف^۲، ۲۰۰۸) که بخش بسیار مهمی از حیات فردی و اجتماعی هر فرد را در بر گرفته و طی اعصار مختلف، با وجود ثبات در ماهیت آن، ولی در شکل و محتوای آن شاهد تغییراتی بوده است. یکی از ابعاد مهم خانواده که دستخوش تغییر بوده، امر ازدواج است (پورکسمایی، ۱۳۹۵) که نقش مهمی در عملکرد جامعه از طریق فراهم آوردن بستری برای ارضای نیازهای عاطفی، اقتصادی و روانی اعضای خود دارد (هاشمی گل مهر و همکاران، ۱۳۹۹).

بررسی ادبیات پژوهش پیرامون مفهوم ثبات و تغییر نظام خانواده نشان می‌دهد که ماهیت این موضوع امری میان رشته‌ای بوده و تحت تأثیر علل بسیاری از جمله عوامل جامعه شناختی، مردم شناختی، روان شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد. براین اساس به دلیل پیوستگی که نهاد خانواده با حیات اجتماعی دارد، تغییر و تحولات جامعه موجب تغییر در نوع ساختار و کارکردهای آن می‌گردد.

در دهه‌های اخیر کشورهای جهان به صورت گسترده‌ای تحت تأثیر تحولات اجتماعی قرار گرفته است که به طور طبیعی این اتفاقات و پدیده‌های جدید، باعث ایجاد تحول در نظام خانواده شده است. یکی از این تحولات، نوسازی یا مدرنیته^۳ بوده است که بر مشخصه‌هایی نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، تکنولوژی، رسانه‌های ارتباطی، حمل و نقل و ارتباطات تأکید کرده و تبیین

1. Edalati, A & Redzuan, M
2. Madathil, J & Benschhoff, J
3. Modernization

می‌کند که با ورود این عناصر به هر جامعه سنتی چگونه تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری، کارکردی و ارزشی به وجود می‌آید (گیدنز^۱، ۱۹۹۰).

از نظر گود^۲ (۱۹۶۳) نظریه پرداز و جامعه‌شناس، فرایند جهانی‌نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار خانواده و توسعه خانواده‌های اروپایی در جهان از طریق ایجاد دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان شده که همین امر زمینه ایجاد دگرگونی‌های ایدئولوژیکی در سطح کلان نیز گردیده است. و نتیجه آن انطباق اجباری سازمان‌های سطوح خرد نظیر خانواده، با این تغییرات سطح کلان بوده و باعث به وجود آمدن تغییرات زیادی در آن شده است. چنانچه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نیز نشان می‌دهد که تغییر برخی عناصر خانواده مانند نوع آن و ساختار قدرت، نگرش به ازدواج و طلاق و رفتار فرزندآوری، تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم جهانی شدن و مدرنیته در جهان تغییرات فراوانی کرده است (گرهارت^۳، ۲۰۱۶).

اگرچه گاهی به علت تفاوت‌های بین فرهنگی، این تغییرات دارای ماهیت نسبتاً متفاوتی با یکدیگر می‌باشد، ولی در ایران نیز در چند دهه اخیر نهاد خانواده به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه‌نوسازی و تغییرات فرهنگی متأثر از آن، دستخوش تغییرات زیادی شده؛ و خانواده ایرانی را در معرض مسائل و چالش‌های عمده‌ای قرار داده است که از جمله این تغییرات میتوان به افزایش میانگین سن در نخستین ازدواج در هر دو جنس، کاهش فاصله‌ی سنی زوجین و نیز افزایش وقوع طلاق در اکثر نقاط دنیا، از جمله ایران اشاره کرد (ترابی و مسگرزاده، ۱۳۹۵)

دلخمش (۱۳۹۲) در این زمینه اظهار می‌دارد، ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایرانی از فرایند نوسازی و جهانی شدن تأثیر پذیرفته است که این امر با شاخص‌هایی چون، توسعه شهرنشینی، گسترش خانواده هسته‌ای، دسترسی بهتر به

1. Gidens, A
2. Good, J
3. Gerhardt, C

آموزش و رسانه‌های گروهی، ورود زنان به بازار کار، ارتقاء حقوق زنان، تغییر در قوانین ازدواج و طلاق، افزایش میزان طلاق، کاهش مولید و افزایش سن ازدواج، بازنمایی شده است. این تحولات موجب تغییر در الگوی ازدواج شده است که موید شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگی غیرسنتی در فرآیند تغییر خانواده و ازدواج است.

در همین راستا، بهزاد (۱۳۹۰) اعتقاد دارد در گذشته سازوکارهای زیستی در ازدواج نقش تعیین‌کننده‌ای داشت، اما امروزه در میان عوامل گوناگون موثر در ازدواج متغیرهای شناختی از جمله باورها، نگرشها، انتظارات و معیارها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. طبق تعریف کلی^۱ (۱۹۵۵) باورها، قوانینی هستند که بوسیله‌ی آنها فرد تجربیات خود را تعبیر و تفسیر می‌کند. از طرفی باورها و اعتقادات افراد نسبت به اشیا و امور، اساس نگرش‌های آنان را فراهم می‌کند و نگرش افراد درباره‌ی رفتارهای مختلف می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی گرایش و یا عدم گرایش آنها به یک رفتار باشد که نقش زبان در شکل دهی اینگونه فرایندهای روانشناختی از جمله باورها، نگرش‌ها و عقاید بسیار با اهمیت می‌باشد (تواین^۲، ۲۰۰۳).

سایپر^۳ (۱۳۸۶) زبان‌شناس سرشناس در این زمینه بیان می‌دارد که زبان دونقش اساسی بازی می‌کند، هم می‌تواند ما را به باورها و نگرش‌های افراد برساند و از طرفی امر تفکر و اندیشیدن را امکان‌پذیر کند. از نظر او نظام زبانی با قواعد دستوری و واژه‌هایش، تفکر را می‌سازد و برای تفکر ضروری است، و یک زبان خاص، تصورات خاصی از طبیعت یا فرهنگ را به سخن‌گویانش تحمیل می‌کند.

بنابراین امروزه در روابط انسانی در عصر ارتباطات و جهانی شدن، تأثیر زبان بیانی و شیوه نگرش بر چارچوب‌های توصیفی و تعبیری افراد تأثیر بسزایی داشته و توجه و تمرکز بر این زمینه از طریق داشتن یک آرایش منسجم و هدفمند زبانی در جهت بیان آنچه که در

1. Kelly, G
2. Tuyn, L.K
3. Sapir, E

حال اتفاق است و آنچه که باید اتفاق بیفتد، به شدت احساس می‌شود. لذا برای درک فرایندهای پیچیده به زبانی جدید، نیازمند آن هستیم که پیچیدگی‌ها برای ما آسان شوند (سالیوان^۱، ۲۰۰۴) و در دانش امروز پیرامون چنین فرایندهای انسانی و نگرشی، به کارگیری استعاره‌ها^۲ در جهت تسهیل سازی درک کاربرد بسیار فراگیری پیدا کرده است. استعاره‌ها از تعامل پایداری که افراد با محیط‌های فرهنگی و فیزیکی خود دارند، ساخته می‌شود و با تغییر و تحولات اجتماعی، آنها نیز تغییر می‌کنند. لذا درک تفاوت پایه‌های تجربی استعاره‌ها در اجتماعات و فرهنگ‌ها و جوامع مختلف ضروری است. زیرا رفتار و شناخت انسان‌ها وقایعی هستند که ریشه در سازه‌های ذهنی و نوع نگاه استعاری و غیراستعاری انسان دارد (گیبز^۳، ۲۰۱۹).

مقصود از استعاره نوع خاصی از مفهوم پردازی‌های زبانی است که در آن جنبه‌ها و ویژگی‌هایی از یک شیء به یک شیء دیگر منتقل می‌شود تا از طریق آن بتوان پدیده‌های ناشناخته و پیچیده را درک کرد. به این معنا که چون استعاره‌ها اساساً بر پایه شباهت‌ها میان دو پدیده تبیین و توضیح داده می‌شوند، در فضای انتزاعی ساده سازی شده و فهم پدیده پیچیده ترا آسان تر می‌کنند. بررسی مطالعات زبانی - شناختی در این زمینه نشان می‌دهد که استعاره جنبه‌ی مهمی از تفکر انسان را شامل شده و نه تنها موجب وضوح و گیرایی بیشتر اندیشه‌های ما می‌شود، بلکه عملاً ساختار ادراکات و دریافت‌های ما را نیز تشکیل می‌دهد (لیکاف و جانسون^۴، ۲۰۰۳).

پس می‌توان گفت که استعاره سرتاسر زندگی روزمره را، نه فقط در عرصه‌ی زبان بلکه همچنین در حوزه‌ی اندیشه و عمل، در بر گرفته است. لذا فراتر از یک آرایه ادبی، نقش بسزایی در فرایند تفکر و فهم انسان داشته و در نتیجه مسائل مختلف چند بعدی و پیچیده خانوادگی از جمله تعریف از خانواده، ازدواج، عشق، نقش‌های زناشویی و

1. Sullivan, T.J

2. Metaphors

3. Gibbs, R.W

4. Lakoff, G. & Johnson, M

بسیاری دیگر از پدیده‌های وابسته به آن را می‌توان به وسیله استعاره‌های افراد در آن خصوص درک کرد زیرا استعاره می‌تواند سیستم ادراکی انسان را شکل داده و همچنین بازتابی از سیستم ادراکی او باشند (لئونگ^۱، ۲۰۰۸).

از زمانی که لیکاف و جانسون اقدامات پیشگامانه‌ای در خصوص آشکار سازی نقش فراگیر استعاره‌ها در گفتمان‌های روزمره انجام دادند، دانشمندان رشته‌های مختلف، آنچه را که استعاره‌ها می‌توانند در مورد ساختار شناختی حوزه‌های فرهنگی مختلف آشکار کنند را مورد بررسی قرار دادند. یکی از این حوزه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته، ازدواج و خانواده بوده است (دان^۲، ۲۰۰۴). به این ترتیب که درمانگران از استعاره به عنوان ابزار، راهبردها و فنون مفیدی در برنامه‌ریزی، توصیف و تحلیل نتایج درمان بهره می‌گیرند. زیرا از نگاه آنان ویژگی‌های زبان گفتاری مانند استعاره‌ها، ابزار مناسبی در مفهوم سازی مسائل و درک وقایع فرهنگی هستند (اصلاحی و همکاران، ۱۳۹۹).

جایگاه استفاده از استعاره‌ها در مسائل مختلف علمی به خصوص حوزه‌های مشاوره و روان درمانی نشان می‌دهد که در یک بستروسیع تر علم روان‌شناسی، بسیاری از استراتژی‌های درمانی، به وسیله درک استعاری مفاهیم امکان پذیر است (هافمن^۳، ۲۰۱۸). زیرا استعاره همچون ابزاری مفید، نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور داشته و در حقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره‌ی رفتاری طبق آن برنامه‌ریزی می‌شود. از این دیدگاه استعاره برحسب ضرورت و نیاز بشر به درک و بازنمایی پدیده‌های ناآشنا، با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی شکل می‌گیرد. همچنین تعداد زیادی از طبقه بندی‌ها و استنباط‌های ما برحسب استعاره‌ها صورت می‌گیرند و بسیاری از مفاهیم، به خصوص مفاهیم انتزاعی، از طریق انطباق استعاری اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینه‌ی دیگر، نظم می‌یابند. بدین ترتیب توجه

به بیان استعاری، به ویژه از این نظراهمیت دارد که تبیین جدیدی از کارکرد مغزو شناخت انسان در برخورد با جهان پیرامون در اختیارمان می‌گذارد (هاشمی، ۱۳۸۹).

از دیدگاه صباغ (۱۳۸۴) استعاره ماهیت جامعه‌ای که آن را پدید آورده است آشکار می‌کند. علاوه بر این، وی معتقد است که انتخاب استعاره‌ها می‌تواند نمایشگر اختلاف عقاید ملت‌ها نیز باشد. لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) در خصوص رابطه‌ی بین فرهنگ و استعاره توضیح می‌دهند که مهمترین ارزش‌های اساسی در یک فرهنگ، با ساختار استعاری بیشتر مفاهیم اساسی در یک فرهنگ رابطه دارد. همانطور که کووکچز^۱ (۲۰۰۵) بیان کرده، استعاره از بسیاری جهات مربوط به فرهنگ است. استعاره‌های مفهومی اغلب در زبان، که جزء کلیدی فرهنگ است، بیان می‌شود و در این میان زبان به عنوان شاخص اصلی استعاره‌های مفهومی عمل می‌کند. بنابراین میتوان گفت برای شناخت یک فرهنگ، باید ماهیت استعاری زبان آن فرهنگ را شناخت.

در این زمینه لئونگ (۲۰۰۸) با مقایسه‌ی استعاره‌های ازدواج چینی‌ها و انگلیسی‌ها دریافت که برخی استعاره‌ها فارغ از زبان و فرهنگ در بین هر دو گروه مشترک هستند، اما برخی استعاره‌ها مختص فرهنگ و تمدن چینی هستند. علاوه بر این مشاهده شد که به دلیل تأثیر تمدن غرب بر چینی‌ها، ازدواج سنتی آن‌ها متحول شده و به شکل مدرن تغییر یافته است. در تحقیقی دیگر نیز دان (۲۰۰۴) نشان داد که در مراسمات عروسی در ژاپن معمولاً از سه نوع استعاره برای ازدواج استفاده می‌شود که شامل ازدواج به عنوان یک آفرینش مشترک، ازدواج به عنوان یک پیوند مادی و ازدواج به عنوان یک سفر است. همچنین مشاهده شد که مردم ایالات متحده و ژاپن در بسیاری از استعاره‌های ازدواج با یکدیگر مشترک‌اند اما درک آن‌ها از اقداماتی که برای ازدواج نیاز هست متفاوت است.

با توجه به مطالب بالا، میتوان گفت استعاره‌ها کاملاً به فرهنگ وابسته بوده و بررسی آن در بین افراد یک جامعه می‌تواند ما را به باورهای افراد و در نتیجه به گفتمان^۲‌های رایج

در آن فرهنگ و جامعه نزدیک کند که اگر به درستی درک شده و با خلاقیت به کار بسته شوند، ابزاری بسیار قوی و ارزشمند برای ساده کردن پیچیدگی‌های شکل‌گیری نگرش‌ها در جهت درک فرایندهای بین فردی و شناسایی نقاط مقاومت و شکاف‌ها در قبول تحول ارزش‌ها، اهداف و اعمال خواهند بود.

اما علی‌رغم قدرت و کاربرد استعاره‌ها بررسی مطالعات انجام شده در ایران نشان داد که هنوز در حوزه خانواده در استفاده و کاربرد آن کارهای پژوهشی زیادی توسط پژوهشگران انجام نگرفته است. از این‌رو هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی و تبیین دیدگاه جوانان ایرانی از "ازدواج" از طریق درک و فهم استعاره‌های رایج در میان ایشان درباره این مفهوم می‌باشد. برای نیل به این هدف پایه نظری این تحقیق "نظریه استعاره‌شناختی" که یکی از نظریه‌های برجسته در زبان‌شناسی شناختی است، قرار گرفت. تا برای نخستین بار دیدگاه‌های جوانان را به طور نظام‌مند و دقیق با استفاده از استعاره‌شناسایی کند.

نظریه "استعاره‌شناختی" یکی از مهمترین رویکردها در زبان‌شناسی است که جرج لیکاف و مارک جانسون در دهه ۱۹۸۰ میلادی آن را به این صورت مطرح کردند که دریافت انسان از پدیده‌ها بر پایه استعاره شکل می‌گیرد. به باور این دو نظریه پرداز، تفکر ما با فهم استعاری انجام می‌شود؛ به این معنا که بشر میان دو قلمرو مفهومی که معمولاً یکی انتزاعی تر است را با بخش‌های متناظر و سازگار یکدیگر به هم مربوط کرده و بین شان ارتباط برقرار می‌کند و بدین ترتیب مفهوم قلمرو انتزاعی تر را از طریق آن قلمرو مفهومی دیگر درک می‌کند. در نتیجه استعاره نه فقط ابزاری برای آفرینش‌های ادبی بلکه ابزار ذهن برای درک مفاهیم نیز است (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۸).

براین اساس مطالعات زبان‌شناسی شناختی در چند دهه اخیر، ماهیت جدیدی برای استعاره تعریف کرده که در آن استعاره فرایندی فعال در نظام شناختی بشر محسوب می‌شود و به هرگونه فهم و بیان تصورات انتزاعی در قالب تصورات ملموس تر

اطلاق می‌شود. از این دیدگاه استعاره برحسب ضرورت و نیاز بشر به درک و بازنمایی پدیده‌های نا آشنا، با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی شکل می‌گیرد و نقش بسزایی در جولان فکری و تخیل ایفا می‌کند. به این ترتیب که تعداد زیادی از طبقه بندی‌ها و استنباط‌های ما برحسب استعاره‌ها صورت می‌گیرند و بسیاری از مفاهیم، به خصوص مفاهیم انتزاعی، از طریق انطباق استعاری اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینه دیگر، نظم می‌یابند. در نتیجه توجه به بیان استعاری مفاهیم، از این نظر اهمیت ویژه دارد که تبیین جدیدی از کارکرد مغز و شناخت انسان در برخورد با جهان پیرامون در اختیارمان می‌گذارد (هاشمی، ۱۳۸۹).

این استعاره‌ها ویژگی‌های خاصی دارند که لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) در کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم» آنها را به این شکل توضیح داده اند:

- از آنجایی که عبارت‌های استعاری زبان ما پیوند نظام مندی با مفاهیم استعاری دارند، میتوانیم از عبارتهای زبانی استعاری برای مطالعه ماهیت مفاهیم استعاری و درک ماهیت استعاری فعالیت‌های خودمان استفاده کنیم.
- یک مفهوم استعاری همزمان با فراهم ساختن امکان تمرکز بر یک جنبه از یک مفهوم میتواند ما را از تمرکز بر جنبه‌های دیگر آن مفهوم که با آن استعاره ناسازگارند باز دارد.
- مفاهیم استعاری فهمی نسبی از مفاهیم را به ما میدهند و دیگر جنبه‌های این مفاهیم را پنهان می‌سازند. بنابراین بخشی از یک مفهوم استعاری با کل آن منطبق نیست و نمیتواند منطبق باشد.
- زمانی که میگوییم یک مفهوم به واسطه‌ی یک استعاره سازمان میابد، مقصود ما آن است که آن مفهوم تا اندازه‌ای سازمان میابد و این که تنها میتواند از بعضی جهت‌ها گسترش یابد و نه از همه‌ی جهات.
- بنیادی ترین ارزش‌ها در یک فرهنگ با ساختار استعاری بنیادی ترین مفاهیم

در آن فرهنگ هماهنگ اند.

- در هر استعاره ما با دو "قلمرو مبدأ" و "قلمرو مقصد" و "نگاشت‌ها یا تناظرها" روبرو هستیم. قلمرو مبدأ^۱ غالباً مفهومی ملموس است که با تجارب فیزیکی انسان ارتباط داشته و در نتیجه به راحتی درک می‌شود. ولی قلمرو مقصد^۲ اغلب مفهومی انتزاعی بوده و درک آن دشوار تر است. مثلاً وقتی می‌گوییم نور و مرادمان علم است؛ نور قلمرو مبدأ و علم، قلمرو مقصد است. رابطه میان این دو قلمرو نیز به صورت مجموعه‌ای از تناظرها که نگاشت^۳ نامیده می‌شود، مشخص خواهد شد. لذا در فرایند تفکر استعاری، مفهوم قلمرو مبدأ از طریق نگاشت‌ها به ما کمک می‌کند تا به درک بهتر و روشن تر مفهوم انتزاعی قلمرو مقصد دست پیدا کنیم.

- در استعاره‌های شناختی با دو فرآیند "برجسته سازی"^۴ و "پنهان سازی"^۵ سرو کار داریم. به این معنا که در فرآیند استعاره سازی یک جنبه‌ی خاص از یک موضوع مورد تأکید بیشتر گوینده است. بنابراین همان جنبه را "برجسته" می‌کند و جنبه یا جنبه‌های دیگری هم هست که گوینده آنها را "پنهان" نگاه می‌دارد. اگر به استعاره‌ها از منظر رابطه‌ای که میان زبان، قدرت و ایدئولوژی‌ها وجود دارد، بنگریم؛ به اهمیت فرآیندهای دوگانه‌ی مذکور بهتری می‌بریم به این شکل که دست اندرکاران قدرت و ایدئولوژی پیوسته با استفاده از استعاره سازی بخش‌هایی از افکار را برجسته و بخش‌های دیگری را پنهان می‌کنند و به این طریق به نگرش‌ها و رفتارها شکل می‌دهند.

لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) در این زمینه نگاشت‌های استعاری را با توجه به

1. source domain
2. target domain
3. Mapping
4. highlighting
5. hiding

ویژگی‌های خاص خودشان به سه نوع جهتی^۱، ساختاری^۲ و هستی‌شناختی^۳ دسته بندی کرده اند.

در "استعاره‌های جهتی" نظامی کلی از مفاهیم با توجه به مفاهیمی دیگر بر مبنای تجربه فیزیکی و فرهنگی انسان‌ها شکل می‌گیرند و مفاهیم با اعطای صورت مکانی در جهت‌های متقابل به یکدیگر مرتبط می‌شوند. وظیفه این نوع از استعاره‌ها بیش از هر چیز، برقراری انسجام در نظام مفهومی ماست. تقابل‌های بالا یا پایین، جلویا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون همه از این دست به شمار می‌روند. استعاره‌های جهتی با تصویر فضای هندسی‌ای که در ذهن به وجود می‌آورند، مفهومی جدید و در نتیجه درکی جدید می‌آفرینند.

ولی در "استعاره ساختاری" سامان دهی یک مفهوم در چارچوب مفهومی دیگر انجام می‌شود. کووکچز (۲۰۱۰) در این زمینه بیان می‌کند که نقش شناختی استعاره‌های ساختی این است که امکان درک حوزه مقصد را از طریق ساختار حوزه مبدأ با تحمیل تمام ویژگی‌های معنایی حوزه مبدأ بر مقصد، برای افراد فراهم می‌کند. استعاره‌هایی نظیر "زندگی به منزله سفر است" از این گونه اند.

و "استعاره‌های هستی‌شناختی" به آن دسته از استعاره‌هایی گفته می‌شود که مفاهیم انتزاعی در آنها به مثابه یک موجودیت، مجسم می‌شوند؛ زیرا تجربیات انسان در مورد اشیاء و اجسام پیرامونش می‌تواند پایه‌های بیشتری برای درک آنچه ورای جهات و ساختارها است، فراهم کرده و پایه و اساس استعاره‌های هستی‌شناسانه را شکل دهد. به این شکل که در این نوع استعاره‌ها با به کار بردن اشیاء، مواد، حالات و ظروف فیزیکی مختلف برای یک مفهوم انتزاعی، آنها مانند موجودیت‌های عینی و فیزیکی در نظر گرفته می‌شوند تا این امکان فراهم شود بتوانیم تجربه‌هایمان از آن پدیده را طبقه بندی کرده و

1. Orientational Metaphor
2. Structural Metaphor
3. Ontological Metaphor

درباره آنها استدلال کنیم. "زمین گهواره است"، نوعی استعاره هستی‌شناسانه است که به واسطه آن می‌توانیم علت چیزی را درک کنیم، جنبه‌های مختلف آن را بشناسیم و در تعیین اهداف و انگیزه‌هایمان آنها را موثر بدانیم.

لیکاف و جانسون (۲۰۰۸) در این زمینه اینگونه بیان می‌کنند که فرایند به کارگیری استعاره‌ها با استفاده از نگاشت‌های استعاری در هر فرایند زبانی به صورت تفکیک شده و مستقل از یکدیگر امکان رخ دادن برایش وجود نداشته بلکه به صورتی نظام مند با نگاشت‌ها و ساختارهای استعاری متفاوت کلان تر مرتبط می‌شود. به گونه‌ای که این نگاشت‌ها به صورتی سازمان یافته ذیل نگاشت‌های کلی تری قرار می‌گیرند و در این سلسله مراتب، نگاشت‌های پایینی ساختار نگاشت‌های بالایی را در خود حفظ می‌کنند. لیکاف (۱۹۹۳) استعاره‌های بسیار عامی را که غالباً مفاهیم عام انتزاعی مانند زمان، حالت، دگرگونی و علیت دارند را در قالب استعاره‌های جهتی، ساختاری و هستی‌شناختی در خود جای می‌دهد را "استعاره‌های ساختار رویداد" می‌نامد. این گونه استعاره‌های غنی مجموعه بسیار وسیعی از استعاره‌ها را ذیل خود پوشش داده و بدین ترتیب استعاره‌های یک متن یا زنجیره استعاری را انسجام می‌بخشد. که در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از همین دیدگاه کلان استعاره‌ها و سلسله مراتب استعاری به درک و شناخت دیدگاه جوانان ایرانی از مفهوم ازدواج نائل شویم.

روش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است که با توجه به هدف مطالعه و دست‌یابی به تجارب زیسته‌ی افراد، از روش پدیدارشناسی استفاده شد. در این روش، تأکید اصلی بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش به عنوان منبع اصلی داده‌های پژوهشی است زیرا در این نوع از تحقیق توصیف تجربیات زندگی افراد به همان صورتی که در زندگی واقع شده‌اند، انجام می‌شود. لذا استفاده از این روش برای مطالعه استعاره جوانان ایرانی از

ازدواج جهت درک و توصیف عمیق پدیده مورد نظر مناسب به نظر می‌آید.

جامعه این پژوهش به منظور درک تعریف استعاری دقیقی از مفهوم ازدواج و ازدواج موفق در نگاه جوانان ایرانی، افراد متاهلی قرار گرفتند که در محدوده سنی جوانی قرار داشته و از جمله ویژگی‌هایی که در میان نمونه مورد مصاحبه برای کنترل برخی متغیرهای مزاحم مدنظر قرار گرفته شد، نداشتن سابقه جدایی و زندگی با همسر در حال حاضر، نداشتن سابقه بیماری‌های طولانی، عدم استفاده از درمان‌های مربوط به سلامت روان و داشتن سن ۲۰-۳۵ سال بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و در دسترس، مساوی با جامعه تا اشباع نظری داده‌ها با ابزار مصاحبه که معمول‌ترین روش در پژوهش کیفی است، ادامه پیدا کرد. در این نوع مصاحبه سعی شد که احساسات، تجارب و افکار مصاحبه‌شونده در زمینه موضوع مورد پژوهش، کشف شود. لذا حالتی غیر سازمان یافته داشته و به ویژه در ابتدا سعی می‌شد سوالاتی کلی مطرح گردد که مصاحبه‌شونده به راحتی افکار خود را ابراز نماید. این سوالات در اولین مصاحبه‌ها برای روشن تر شدن موضوع، پیرامون ادراک فرد از ازدواج و نگاه معنایی او به این مقوله با یک معرفی استعاری از این مفهوم شکل گرفت و به موضوعات اطراف این محور، از جمله ویژگی‌های ازدواج، اهداف ازدواج، تعریف ازدواج موفق و عوامل شکل دهنده آن در نگاه جوانان مجرد و متاهل که حاصل تجربه زیسته‌شان در زندگی بوده، ادامه پیدا کرد. سپس با استفاده از نمونه‌گیری نظری و در هر مرحله با توجه به تحلیل داده‌های پیشین و سوالات جدید شکل گرفته در طی مصاحبه‌های قبلی، فرایند جمع‌آوری داده‌ها از افراد ادامه پیدا کرد تا جایی که مطالب بیان شده تقریباً تکراری شده و به اشباع رسیدند که البته این کار تا ۱۳ نفر طول کشید.

مدت مصاحبه در هر مورد متغیر بوده و به طور متوسط ۳۵-۴۵ دقیقه به طول می‌انجامید. محتوای مصاحبه‌ها که ضبط شده بود بعد از به پایان رسیدن به متن نوشتاری تبدیل شدند تا مورد تحلیل قرار بگیرند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش

کلایزی^۱ استفاده شد. به این ترتیب که در ۷ مرحله کار شکل گرفت. اول پیاده سازی مصاحبه‌ها و درک معنای کلی از محتوای داده‌ها، دوم شناسایی جملات مهم و مرتبط با پدیده، سوم دادن مفهوم به هر جمله و مفهوم سازی، چهارم طبقه بندی کردن مفاهیم در دسته‌ها و درون مایه‌ها، پنجم ادغام مضامین استخراج شده در قالب یک توصیف جامع، ششم تقلیل یافته‌ها و حذف زوائد و نا مناسب و در نهایت فرایند اعتبار بخشی یافته‌ها.

اعتبار در پژوهش به این موضوع اشاره دارد که پژوهشگر تا چه اندازه توانسته واقعیت‌ها یا حقایق ابراز شده‌ی مطالعه شوندگان را به درستی منعکس کند، به این شکل بررسی شد که در ابتدا با استفاده از فن واریسی عضو، که طی آن برداشتهای پژوهشگر با مصاحبه شونده در میان گذاشته میشود؛ صحت و سقم کدگذاری‌ها مشخص شد و سپس داده‌ها توسط دو تحلیل‌گر تحلیل شدند تا اثرات برداشت‌ها و سوگیری‌های شخصی به حداقل برسد.

یافته‌ها

از میان صحبت‌های سیزده شرکت‌کننده در پژوهش، مفاهیم موثر در برگیرنده خرده استعاره‌ها و کلان استعاره‌ها به صورت طرح مفهومی در شکل ۱ و جداول ۵-۱ نشان داده شده است.

بر اساس یافته‌های موجود اولین مفهوم کلان استعاری شناخته شده در این تحقیق تحت عنوان "ماهیت ازدواج، مسیر و راهی است با مبدأ، مقصد، هدف مندی و حرکت مشخص در آن"؛ (ذیل ۱ کد استعاری اولیه) با دومین و سومین کلان استعاره که در قالب "ویژگی ازدواج، بنیان قابل ساخته شدن و خلق کردن است" (ذیل ۳ کد استعاری اولیه) و "اهداف ازدواج، رشد کردن و ورود به دنیای پدیداری تازه است" (ذیل ۲ کد استعاری)؛ در کنار چهارمین کلان استعاره یعنی "ملزومات گذر موفق از ازدواج و راه، اول داشتن

نیازهای مهارتی داخل مسیر (ذیل ۵ کد استعاری) و دوم داشتن صلاحیت‌های شناختی قبل از ورود به مسیر است (ذیل ۳ کد استعاری)؛ در یک مدل فرایندی با یکدیگر مرتبط شدند.

به این ترتیب که یکپارچه سازی خرده استعاره و کلان استعاره‌های نظری ازدواج در این پژوهش نشان داد از نگاه جوانان ایرانی ماهیت ازدواج، یک راه و مسیر هدفدار است که توسط همسران قابلیت ساخته و خلق شدن آن وجود دارد. چنانچه مشاهدات دقیق پیرامون هر دو مفهوم "راه" و "ازدواج" و تأمل بر معنای متداول آن، به وضوح تشابهاتی بین آنها را مشخص می‌کند. وجود مبدأ، مقصد، هدفمندی، راهرو انسانی و از همه مهم تر حرکت و در نهایت ملزومات طی گذار سالم و موفق این راه به سمت مقصد، برای تبیین "راه" به مثابه مستعار منه "ازدواج" به خوبی دیده می‌شود. که البته این مسیر، راهی وجودی است که حقیقت و هستی ازدواج را مشخص کرده و به جای مکان، زمان را در می‌نوردد و به سوی آینده و هدف و مقصد آن که رشد کردن از طریق رسیدن به دنیای پدیداری تازه و مطلوب تراست، حرکت می‌کند.

به تبع این تعریف از راه، حرکت نیز در طی این مسیر، علاوه بر حرکت فیزیکی، حرکتی وجودی خواهد بود که ملزومات ساخته شدن کامل و بدون نقص، در جهت نیل به اهداف از پیش تعیین شده در ذهن جوانان نیازمند دو مورد است: اول، برطرف کردن نیازهای مهارتی بعد از ازدواج؛ و دوم داشتن صلاحیت‌های شناختی قبل از ازدواج که در ادامه به توضیح آنها می‌پردازیم.

جدول ۱. جملات و کدهای استعاری اولیه و کلان در برگزیده سلسله مراتب استعاری «ماهیت ازدواج»

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
- زندگی حرکت توی یه راه است دقیقاً مثل مسیری که تو سفر که توش از یه جایی تصمیم می‌گیری حرکت کنی و بری تا به مقصدت برسی. حالا این مسیر بالا پایین داره، پلیس	ازدواج «راه» است	«ماهیت ازدواج» مسیر و راهی است با مبدأ، مقصد، هدفمندی و حرکت مشخص در جهت اهداف آن

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
راه داره، پنچری داره، بنزین تموم میشه، ممکنه تصادف بشه و حتی ممکنه یکی بمیره تو این رفتن، یعنی همچین حالتیه که همه‌ی این بالا و پایینی‌ها هست.		

جدول ۲. جملات و کدهای استعاری اولیه و کلان در برگرفته سلسله مراتب استعاری "ویژگی ازدواج"

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
- اصلا کسی که رابطه رو بد میبینه خودش دوست داره اینجوری نوشته بشه وگرنه میشه وجهه‌های مثبتی هم توی این کتاب پیدا کرد یا نوشت یا خلق کرد.	ازدواج «نوشتن کتاب» است	
- شاید اینجوری بگیم که اثر هنری با همه تلخی‌ها و شیرینی‌هایی که داخلش هست ولی تهش یک چیزی هست که خلق میشه؛ ازدواج هم همین طوری به وسیله زن و مرد ساخته و خلق میشه.	ازدواج «خلق یک اثر هنری» است	«ویژگی ازدواج» بنیان قابل ساخته شدن و خلق کردن است
- خونه ساختن یه چیزی هست که از پی ریختن تا تکمیل شدنش دست خود آدمه دقیقا مثل ازدواج که توی هر لحظه داری یک قسمتی اش را می سازی.	ازدواج «ساختن خانه» است	

جدول ۳. جملات و کدهای استعاری اولیه و کلان در برگرفته سلسله مراتب استعاری "هدف ازدواج"

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
- ازدواج ورود به یک دنیای تازه است، یه جورایی تو ذهن من عمر آدم به دو قسمت تقسیم میشه، قبل ازدواج و بعد ازدواج، قبل ازدواج تمامی اون چیزی که قبل ازدواج داری با	ازدواج «متولد شدن» است	«هدف ازدواج» رشد کردن و توسعه دنیای پدیداری تازه است

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
<p>ازدواج کردن رها میکنی و تو اون آدم دیگه نیستی و تو دیگه اون اهداف رو نداری، تو اون خواسته ها رو نداری، کلا به نظر من یه دنیای دیگه و آدم خیلی تغییر میکنه، کلا دنیای فرد عوض میشه، چه بسا که فرد هم عوض بشه.</p> <p>- وقتی ما مثل یه باغبون درختی را میکاریم، هدف مون این هست که رشدش بدیم تا ثمر بده و این ما را راضی میکنه؛ ازدواج هم همین طوریه... ما شروعش میکنیم تا میوه بده حالا محصولاتش یا میوه اش میتونه بیجه ها باشن یا رشدهایی که دو طرف دارن یا اون کمک هایی که دو طرف به هم میکنن اون محصولاتشه...</p>	ازدواج «باغبانی» است	

جدول ۴. جملات و کدهای استعاری اولیه و کلان در برگیرنده

سلسله مراتب استعاری «ملزومات مهارتی ازدواج موفق»

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
<p>- من فکر میکنم برای رشد این درخت، رسیدگی کردن و نگه داری و مهارت داشتن خیلی مهمه که باعث میشه برای اون خیلی کارا بکنی؛ مثلاً گذشت یا احترام به خواسته های طرف، درست مثل اون باغبونی که از خواسته ها و راحتی خودش برای رشد درخت باغش میزنه و بهش رسیدگی میکنه شبانه روزی.</p> <p>- زن و شوهر مثل دوتا همراهن تو کوه که خیلی جاهای باید دست همدیگه رو بگیرن، خیلی جاهای یکی کم میاره، خیلی جاها دوتا شون کم میارن، تو کوهنوردی هم اینطوریه،</p>	ازدواج «کاشتن درخت» است	«ملزومات ازدواج موفق» داشتن نیازهای مهارتی داخل مسیر است
	ازدواج «بالا رفتن از کوه» است	

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
اگر به هم کمک نکنن و همکاری نباشه، و امید نداشته باشن، به قله نمی‌رسن.		
در کارگروهی هرکسی باید سهم خودشو بذاره یعنی نه خانم بیشتر از حد زمان بذاره و نه آقا یعنی یه جوروی باشه که همه به اندازه‌ی خودشون توی اون زندگی و توی اون خانواده هرچقدر بیشتر و بهتر به هم کمک کنن و سهمی که دارن تو اون زندگی رو بذارن برای کمک کردن به نظرم زندگی بهتر میره جلو و هرچقدر بتونن همدیگه رو بهتر درک کنن.	ازدواج «بازی گروهی» است	"نیازهای مهارتی طی راه ازدواج" شامل همکاری و همیاری، همدلی و درک متقابل، گذشت و مدارا کردن؛ انگیزه، امید و شجاعت و تعهد داشتن است.
اگر قایق رو به زندگی مشترک تشبیه کنیم وزن و مرد شبیه کسانی باشن که دارن پارو میزنن که قایق رو به هدف خاصی برسوزن، اگر هر کس قرار باشه به اون سمتی که علاقه مندی خودشه پارو بزنه، قایق حرکت نمیکنه یا ممکنه قایق برگرده تو آبی که هست. و شما نگاه کنید اگر یکی پارو بزنه و یکی پارو بزنه، هم کند تر میشه و هم مسئولیت رو دوش یک نفر میوفته و ممکنه اون کسی که داره تنهایی پارو میزنه ممکنه به جایی بره و خسته بشه.	ازدواج «پارو زدن قایق» است	

جدول ۵. جملات و کدهای استعاری اولیه و کلان در برگیرنده سلسله

مراتب استعاری "ملزومات شناختی ازدواج موفق"

نمونه جملات مصاحبه شونده ها	کدهای استعاری اولیه	کدهای استعاری نظری کلان
- ازدواج کردن خیلی شبیه بستن یه قرارداد اداری یا تجاری یه. توی این قرارداد آگه قبلش ندونی چی می‌خوای از اون شریکت و هدف اون قرارداد چیه و اینکه تو و اون طرف مقابل	ازدواج «قرارداد» است	«ملزومات ازدواج موفق» داشتن صلاحیت‌های شناختی قبل از ورود به مسیر است

کدهای استعاری نظری کلان	کدهای استعاری اولیه	نمونه جملات مصاحبه شونده ها
		<p>چه تعهدها و وظایفی در برابر اون قرارداد دارید، اون شراکت به نتیجه خوبی نمی‌رسه.</p> <p>- تو باید این تفاوت رو بفهمی و قبول کنی که زندگی مشترک مثل چاقو دو تا جنبه داره که باید بدونی داری چی کار میکنی. اگه کارت درست باشه، اون چاقو پوست تو رو میکنه، تو رو شکیل میکنه، تراشت میده. اما اگر اینطور نباشه تو رو میبیره، چقدر مگه یک آدم میتونه بریده شدن رو تحمل کنه؟</p>
<p>صلاحیت‌های شناختی قبل از ورود به راه ازدواج شامل آگاهی نسبت به محدودیت‌های آن پیرامون شکل‌گیری شخصیت زوجی، نگاه سهم‌گذارانه (و نه تبادلی و تجاری) داشتن و یک واحد دوستی متشکل از دو نفر را تشکیل دادن، است</p>	<p>ازدواج «بند» است</p>	<p>- ازدواج محدودکننده است، ازدواج بکنی اگر به صورت روتین همه چیز پیش بره، تو به نظر من با ازدواجت و بچه دار شدن یه سری کارها رو دیگه نمیتونی انجام بدی، حالا شاید محدودیت اسم خوبی روش نباشه، شاید کم شدن دایره‌ی فعالیت هات اسمش باشه، که به خاطر رابطه جدیدت باید اون فرد بودنت دیگه کمتر بشه و دونفره بشه همه چیز و آدم باید از قبل اینا رو تو ذهنش داشته باشه درباره ازدواج.</p>
	<p>ازدواج «واحد دوستی» است</p>	<p>- من فکر میکنم ازدواجی پایدار و خوشبخت باقی می‌مونه که زن و شوهر توش با هم مثل یه دوست رفتار کنند. آخه دوستی درست ویژگی‌هایی داره که باعث میشه ادامه دار بشه. مثلاً دوستا به هم هر حرف ناراحت‌کننده‌ای را نمیزنن، یا به هم اعتماد دارن، یا نگاه بده بستونی ندارن.</p>

وجود انسان در نقش زوجیت زن و شوهری و همچنین ماهیت مفهوم مسیر و راه که در پدیده ازدواج با استفاده از این استعاره در حال تبیین است، به وسیله مصاحبه‌های

انجام شده در این پژوهش نشان داد که همسران در این مسیر از مبدأ حرکت آن که نوع وجود و شخصیت و صفات و عادات رفتاری و اخلاقی فرد قبل از ازدواج هست؛ تصمیم به انتخاب می‌گیرند تا در مسیر ازدواج به سمت هدف و مقصد راه که رشد کردن و تجربه دنیای پدیداری تازه است، "حرکت" کنند.

برای مثال یکی از شرکت‌کننده‌ها در پژوهش با طرح استعاره "راه و مسیر" برای ازدواج اینگونه بیان کرد که:

"زندگی حرکت توی یه راه است. دقیقاً مثل مسیری که سفر که توش از یه جایی تصمیم می‌گیری حرکت کنی و بری تا به مقصدت برسی. حالا این مسیر بالا پایین داره، پلیس راه داره، پنچری داره، بنزین تموم میشه، ممکنه تصادف بشه و حتی ممکنه یکی بمیره تو این رفتن..."

که این نگاه ماهیت ازدواج که یک مسیر و راهی است با مبدأ، مقصد، هدفمندی و نوع حرکت مشخص در آن را برجسته می‌کند. در ادامه شرکت‌کننده‌های دیگری با طرح ۳ استعاره "ازدواج نوشتن کتاب، ساختن خانه و خلق یک اثر هنری" است، در صدد نشان دادن ویژگی آن که یک بنیان قابل ساخته شدن و خلق کردن است، اینگونه بودند:

"شاید اینجوری بگیم که اثر هنری با همه تلخی‌ها و شیرینی‌هایی که داخلش هست ولی تهش یک چیزی هست که خلق میشه؛ ازدواج هم همین طوری به وسیله زن و مرد ساخته و خلق میشه"

و این استعاره نقش فاعلی همسران در ساختن بنیان ازدواج به شکل خوب یا بد، رضایتمند یا غیررضایتمند را به خوبی پررنگ می‌کند. چنانچه شرکت‌کننده‌های دیگری نیز این ویژگی را در قالب استعاری اینگونه توضیح دادند:

"اصلاً کسی که رابطه رو بد میبینه خودش دوست داره اینجوری نوشته بشه وگرنه همیشه وجهه‌های مثبتی هم توی این کتاب پیدا کرد یا نوشت یا خلق کرد."

ولی این راه ازدواج مقصد و هدفی دارد که مسیر به سمت آن هدایت می‌شود و این

هدف براساس دو استعاره بیان شده "ازدواج متولد شدن و باغبانی" است، به خوبی قابل تبیین بود. یکی از شرکت‌کننده‌ها در پژوهش در این زمینه بیان کرد:

"وقتی ما مثل یه باغبون درختی را میکاریم، هدف مون این هست که رشدش بدیم تا ثمر برده و این ما را راضی میکنه؛ ازدواج هم همین طوریه... ما شروعش میکنیم تا میوه بده حالا محصولاتش یا میوه اش میتونه بچه‌ها باشن یا رشدهایی که دو طرف دارن یا اون کمک‌هایی که دو طرف به هم میکنن اون محصولاته".

برجسته شدن دو مفهوم رشد کردن و وارد شدن به دنیای پدیداری تازه که هدفش ایجاد جهان بینی وسیع تری برای زن و شوهر نسبت به زندگی است، در این استعاره‌ها به خوبی نمایان بود. چنانچه یکی دیگر از جوانان حاضر در پژوهش با به کارگیری "استعاره متولد شدن" برای ازدواج این مفهوم را به این شکل توضیح داد:

"ازدواج ورود به یک دنیای تازه است، یه جورایی تو ذهن من عمر آدم به دو قسمت تقسیم میشه، قبل ازداج و بعد ازدواج، قبل ازدواج تمامی اون چیزی که قبل ازدواج داری با ازدواج کردن رها میکنی و توان آدم دیگه نیستی و تو دیگه اون اهداف رونداری، تو اون خواسته‌ها رونداری، کلا به نظر من یه دنیای دیگه و آدم خیلی تغییر میکنه، کلا دنیای فرد عوض میشه، چه بسا که فرد هم عوض بشه".

در نهایت مفهومی که از دل استعاره‌های بیان شده بیرون کشیده شد این بود؛ ملزوماتی برای طی مسیر سالم و موفق این راه باید به همراه باشد تا این مفهوم حرکت به جای اینکه صرفاً یک تبیین طبیعی در قالب زمان و مکان باشد، در بحث ازدواج به یک تبیین وجودی تبدیل شده تا سیر حرکت به سمت مقصد و هدف نهایی که همان رشد و رسیدن به یک دنیای پدیداری تازه و نوع جدیدی از بودن برای زن و شوهر است، رسیده شود.

که این ملزومات اول نیازهای مهارتی داخل مسیری است که زن و شوهر برای ارتباط موثر با یکدیگر باید به همراه داشته باشند که خود را با به کارگیری استعاره "ازدواج کاشتن

درخت است"، خود را نشان داد:

"من فکر میکنم برای رشد این درخت، رسیدگی کردن و نگه داری و مهارت داشتن خیلی مهمه که باعث میشه برای اون خیلی کارا بکنی؛ مثلاً گذشت یا احترام به خواسته‌های طرف، درست مثل اون باغبونی که از خواسته‌ها و راحتی خودش برای رشد درخت باغش میزنه و بهش رسیدگی میکنه شبانه روزی"

که این نیازهای مهارتی طی راه ازدواج، شامل همکاری و همیاری، همدلی و درک متقابل، گذشت و مدارا کردن، انگیزه، امید و شجاعت و تعهد داشتن بود که در قالب استعاره‌های ازدواج "بالا رفتن ازکوه، بازی گروهی و پارو زدن قایق" است، خود را نشان داد. یکی از جوانان شرکت کننده در مصاحبه استعاره بالا رفتن از کوه را اینگونه توضیح داد:

"زن و شوهر مثل دوتا همراهن توکوه که خیلی جاهای باید دست همدیگه رو بگیرن، خیلی جاها یکی کم میاره، خیلی جاها دوتاشون کم میارن، توکوهنوردی هم اینطوریه، اگر به هم کمک نکنن و همکاری نباشه، و امید نداشته باشن، به قله نمی‌رسن".

که البته در کنار این مهارت‌های مورد نیاز داخل راه، باید قبل از ورود به مسیر ازدواج یکسری صلاحیت‌ها و آگاهی‌های شناختی نیز زن و شوهر داشته باشند تا این حرکت به سرانجام خود برسد که این مفهوم خود را در استعاره "ازدواج قرارداد" است، به خوبی برجسته می‌کرد:

"ازدواج کردن خیلی شبیه بستن به قرارداد اداری یا تجاری یه توی این قرارداد آگه قبلاً ندونی چی می‌خوای از اون شریکت و هدف اون قرارداد چیه و اینکه تو و اون طرف مقابل چه تعهدها و وظایفی در برابر اون قرارداد دارید، اون شراکت به نتیجه خوبی نمی‌رسه".

که البته مبتنی بر مفاهیمی که سه استعاره "ازدواج چاقو، بند و واحد دوستی" برجسته می‌کردند، این صلاحیت‌های شناختی قبل از ورود به راه ازدواج شامل آگاهی نسبت به

محدودیت‌های آن پیرامون شکل‌گیری شخصیت زوجی، نداشتن نگاه تبادلی و تجاری داشتن در آن و یک واحد دوستی متشکل از دو نفر را تشکیل دادن است. یکی از شرکت‌کننده‌ها که استعاره چاقورا برای توصیف ازدواج به کار برد بیان می‌کرد:

"تو باید این تفاوت رو بفهمی و قبول کنی که زندگی مشترک مثل چاقو دو تا جنبه داره که باید بدونی داری چی کار میکنی. اگه کارت درست باشه، اون چاقو پوست تو رو میکنه، تو رو تشکیل میکنه، تراشت میده. اما اگر اینطور نباشه تو رو میبره، چقدر مگه یک آدم میتونه بریده شدن رو تحمل کنه؟"

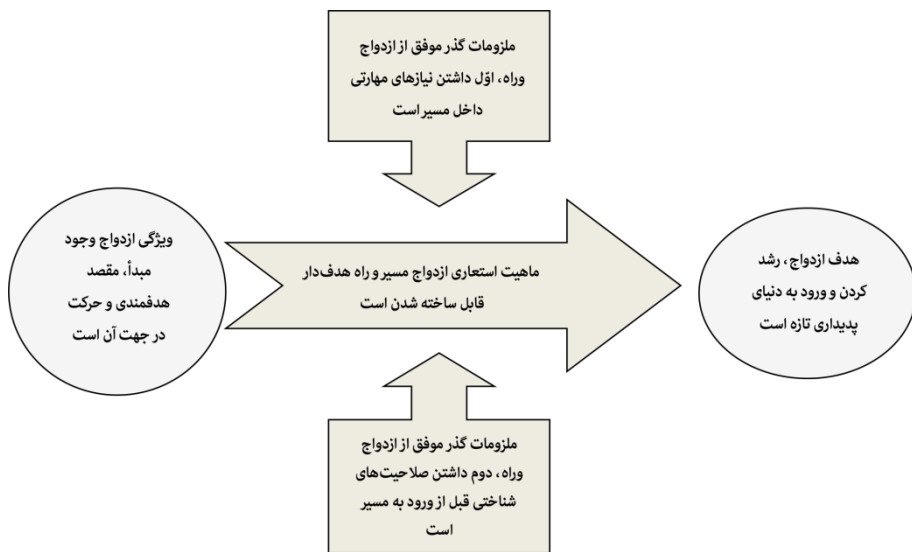
و یا در بیان "استعاره بند" برای ازدواج توضیح داده شد که:

"ازدواج محدودکننده است، ازدواج بکنی اگر به صورت روتین همه چیز پیش بره، تو به نظر من با ازدواجت و بچه دار شدن یه سری کارها رو دیگه نمیتونی انجام بدی، حالا شاید محدودیت اسم خوبی روش نباشه، شاید کم شدن دایره‌ی فعالیت هات اسمش باشه، که به خاطر رابطه جدیدت باید اون فرد بودن دیگه کمتر بشه و دونه‌بشه همه چیز و آدم باید از قبل اینا رو تو ذهنش داشته باشه درباره ازدواج".

بنابراین مبتنی بر یافته‌های پژوهش اینگونه می‌توان بیان کرد که مسأله "حرکت" به سمت اهدافی که همسران برای آن ازدواج کرده‌اند، و در یاد نگه داشتن مقصد، یعنی جایی که قرار است در کنار یکدیگر به آن برسند تا از طریق تجربه دنیای پدیداری تازه، رشد و تحول و تغییری را در ابعاد مختلف صفاتی و رفتاری در خود ایجاد کنند، مفهومی است که لازمه آن سیلان و تجدد است. یعنی نحوه‌ای از هستی که چیزی جدای از بودن شان نیست و تنها باید به آن آگاهی پیدا کرد. که البته چنانچه بیان شد، در طی این مسیر و راه ملزوماتی نیاز است تا حرکت به سرمنزل مقصود برسد.

در تبیین این شکل از حرکت، که در استعاره "راه" برای ازدواج از دید جوانان ایرانی مطرح شد، می‌توان گفت که مبدأ حرکت، مقصد و هدف حرکت، ملزومات حرکت و مسیر حرکت از یکدیگر جدا نبوده و همگی سیری است در جهت "شدن" و تحقق آن

چیزی که در راه ازدواج باید برای همسران به دست آید. بنابراین ازدواج بدون تصور مبدأ و مقصد و هدف حرکت، قابل درک نیست و اگر چنین چیزی اتفاق بیفتد، یعنی همسران ندانند یا فراموش کنند که هدف نهایی ازدواج شان چه بوده است، دچار سکون و بی تحرکی شده که این به معنای عدم آن است. لذا با این نگاه به خاطر حقیقت وجودی ازدواج، همسران به طور مداوم باید از طریق مرور و یادآوری اهداف حقیقی که به خاطر آن وارد مسیر و راه زوجیت شده اند، "حرکت" را در یاد داشته باشند تا ازدواج شان در نهایت به سمت عدم و نیستی و متلاشی شدن و از هم گسیختگی که در مصداق‌های آن مثل تعارضات، سوء رفتار، خیانت و بی‌تعهدی زناشویی و طلاق عاطفی و قانونی خود را نشان می‌دهد، رهنمون نگردد.



شکل ۱. الگوی مفهومی دربرگیرنده کدهای استعاری اولیه و کلان در برگیرنده سلسله مراتب استعاره راه از ازدواج

بحث و نتیجه‌گیری

در جهان امروز که همه چیز به سرعت در حال تغییر و تحول است، چالش‌های فراروی مشاوران حوزه خانواده، در حرفه یاورانه مشاوره، دشوارتر و پیچیده تر از قبل به نظر می‌رسد. به همین دلیل برای آنکه مشاوران بتوانند موثر واقع شوند و مراجعان خود را برای تطبیق با نیازهای چندگانه خود یاری دهند، ضروری است از تصویرها و شناخت‌هایی که تفکر فعلی مراجعان آنها را شکل می‌دهد، آگاهی داشته و همچنین توانایی خود را در به کارگیری فرضیه‌ها و نگرش‌های جدید و کاربردی تر افزایش دهند. یعنی مشاوران حوزه خانواده باید شایستگی‌هایی در خود به وجود آورند که امکان مشاهده، درک و شکل دهی به موقعیت به روش‌های جدید را برای شان میسر سازد (کالی و باند، ۲۰۱۱).

برنز^۱ (۲۰۰۵) به منظور نیل به اثربخشی بیشتر، بیان می‌کند که مشاوره در عین اینکه یک علم است، هنر درمانگر را هم می‌طلبد و مشاوران باید در شناسایی و کاربرد رویکردهای متفاوت نگاه به خانواده و انسان مهارت یابند و در درک و فهم خانواده و اعضای آن از ابعاد گوناگون، و نیز ایجاد راهکارهای عملیاتی منطبق با نگرش‌های بدست آمده آگاهی پیدا کنند. مشاورانی که در هنر درک و فهم زندگی تبحر پیدا می‌کنند، ضمن برخورداری از انعطاف و پویایی مناسب، می‌توانند برای رسیدن به یک نگرش جامع تر موفق تر باشند.

ولی از آنجا که صحبت از احساسات، افکار و نگرش‌ها پیرامون پدیده خاصی به نام ازدواج، یکی از عناصر مهم درک و فهم آن می‌باشد، و موانع بسیاری در فرهنگ‌های مختلف برای بروز آنها می‌شوند، لذا پژوهشگران باید به دنبال استفاده از روش‌های خلاقانه‌ای برای درک بهتر آن باشند. در همین راستا پژوهشگران و مشاوران حوزه خانواده می‌توانند با استفاده از تکنیک‌های ارزیابی جدیدی نظیر استعاره‌ها و داستان‌ها و روایت‌های غالب ذهنی افراد، به فهم و درک روابط سمبلیک ذهنی با هدف بروز

1. Culley, S. & Bond, T
2. Bernes, K.D

احساسات و نگرش‌ها و افکار پرداخته و به‌صورت کلامی و غیر کلامی به این هدف نائل شوند (اصلاحی و همکاران، ۱۳۹۹).

به همین منظور استفاده از استعاره‌ها برای خوانش و درک پدیده ازدواج در این تحقیق به کار رفت تا به کمک آنها بتوانیم این مفهوم را در ذهن جوانان ایرانی از ابعاد دیگری بخوانیم. استعاره نوعی صفت ادبی برای تشبیه و مقایسه است که اغلب برای افزودن پویایی در صحبت‌ها به کار گرفته می‌شود تا با استفاده از یک عنصر تجربی (چیزی که می‌شناسیم و با مفهوم آن آشنا هستیم)، برای فهم یک عنصر تجربی دیگر (چیزی که انتزاعی تر است و با آن کمتر آشنائیم)، به خلق معنی بپردازیم (هافمن، ۲۰۱۸).

اما آنچه در این پژوهش در صدد تبیین آن بودیم، پاسخی در برابر پرسش از حقیقت و هستی ازدواج در میان جوانان امروز ایرانی بود تا با گرفتن تصاویر مختلف از زوایای متفاوت آن و با کنار هم قرار دادن شان کنار یکدیگر، این پدیده انسانی - اجتماعی بسیار پیچیده را قدری دقیق تر و واضح تر تصور کنیم، بخوانیم و به دیگران منتقل کنیم، تا حتی در قدم‌های بعدی پس از درک بهتر، به شکل دهی آن نیز پرداخته شود. که در این مسیر تلاش شد از طریق بررسی دنیای پدیداری جوانان، به این هدف دست یابیم.

چنانچه یافته‌های این تحقیق نشان داد ماهیت ازدواج، راهی است به سوی هدف بهتر و کامل شدن برای دورا هر دو در این مسیر، یعنی زن و شوهر به سمت آینده، که از طریق تجربه این دنیای پدیداری تازه در کنار یکدیگر اتفاق می‌افتد. البته لازمه آن همراه داشتن ملزومات طی مسیر است تا در این حرکت سیال، سکون و گم گشتگی و فراموشی مقصد برای همسران به وجود نیامده و راه اصلی که تعداد زیادی راه فرعی داخل و اطراف آن هست، گم نشود که این یافته‌ها همسوبا نتایج پژوهش هاشمی گل مهر و همکاران (۱۳۹۹) پیرامون الگوی یک ازدواج موفق ایرانی است که نشان دادند ازدواج به مثابه یک رابطه زوجی شفاف و عاری از ابهام به عنوان یک مقوله مرکزی است که شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله گرهایی زمینه بالندگی، احساس آرامش، تحقق اهداف زوجی مشترک

و رضایت از رابطه می‌شود.

بر این اساس وقتی که ازدواج به مثابه یک مسیر حرکت به سمت یک هدف نهایی در نظر گرفته شود، باید آداب و قواعد و مهارت‌های سالم و موفق حرکت کردن در آن رعایت شود که مبتنی بر یافته‌های این تحقیق، این ملزومات اول داشتن نیازهای مهارتی داخل مسیر شامل همکاری و همیاری، همدلی و درک متقابل، گذشت، مدارا، انگیزه، امید، شجاعت و تعهد داشتن بوده و در کنار آن فراگیری صلاحیت‌های شناختی قبل از ورود به راه ازدواج میباشد که شامل آگاهی داشتن نسبت به محدودیت‌های آن پیرامون شکل گیری شخصیت زوجی، نداشتن نگاه تبادلی و تجاری داشتن در آن و یک واحد دوستی متشکل از دو نفر را تشکیل دادن است. که در غیر این صورت مسیری اصلی به سعادت و سلامت طی نشده و نرسیدن به سر منزل مقصود، از طریق نابودی راه (ازدواج) یا رهروان (همسران) اتفاق می‌افتد که همراستا با نتایج پژوهش جاودان (۱۳۹۸) است که نشان داد انتظارات ازدواج علاوه بر تاثیر مستقیم بر کیفیت زندگی زناشویی، از طریق باورهای ارتباطی و بخشودگی به صورت غیر مستقیم کیفیت زندگی زوجی را پیش بینی می‌کند.

قابل تأمل است که فهم هستی و ماهیت ازدواج، مقدم بر درک چگونگی رویارویی با آن است. بنابراین تلاش برای فهم و درک آن، چگونگی مواجهه و راهبردهای روبرو شدن با آن را روشن تر می‌سازد. لذا در کاربرد استعاره‌ها در حوزه خانواده، هدفی که باید به دنبال آن باشیم، این است که علاوه بر فهم و درک استعاره‌های ذهنی افراد، زمینه‌های مناسب تر برای تولید و شکل گیری استعاره‌های غالب در جامعه را نیز در نظر داشته باشیم تا از این طریق گامی در جهت ایجاد تحول در نگرش‌ها و طرز تفکر و به تبع آن طرز رفتار و برخورد جوانان پیرامون مسائل خانوادگی از جمله ازدواج داشته باشیم.

مورگان^۱ (۱۹۹۸) از پژوهشگران حوزه استعاره در این زمینه هنراستفاده از استعاره‌ها را شامل سه مرحله دیدن، فهمیدن و شکل دادن واقعیت‌ها می‌داند. لذا در جهت درک و

فهم یک پدیده واحد در مرحله اول باید با نگرش‌ها و احساسات افراد درگیر آن پدیده، از طریق دیدن و فهمیدن، آشنا شد تا از طریق داشتن دیدگاهی شناختی، به آگاهی‌های اولیه برسیم. سپس در کنار آن با استفاده از سیستم‌های زبانی، شکل دادن به معناها و گفتمان‌های ذهنی افراد حول یک حقیقت، صورت پذیرد.

حقیقت و ماهیت ازدواج در این پژوهش به ما نشان می‌دهد که اجزا و افراد حرکت کننده در مسیر ازدواج، یعنی همسران، باید هماهنگ و منعطف در عرصه‌ای که ماهیت اش مملو از تضاد و تعارض در سیستم خانواده و سیستم کلان تراجماعی است، هدفمند و همگرا و هوشمند و آگاه از ماهیت این عوامل تعارض ساز، در حال حرکت بوده و آمادگی پذیرش تحول را در خود داشته باشند تا جهت، شتاب و سرعت حرکت در این راه را انتخاب کرده و آن را رقم بزنند.

وستوف^۱ (۱۹۷۸) در این زمینه مطرح می‌کند، از آنجا که تحولات نهادهای ازدواج و خانواده نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند؛ و تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی، اشاعه و گسترش فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، اشتغال زنان، استقلال مالی و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف می‌باشد (به نقل از ویکز^۲، ۲۰۰۲)؛ همین امر تغییرات گسترده ساختاری، ارزشی و اخلاقی را برای خانواده در پی داشته و برالگوها و ملاک‌های انتخاب همسر برای ازدواج و سبک زندگی خانوادگی اش تأثیر بسزایی گذاشته است زیرا با وجود این تغییرات، افراد از قدرت بازاندیشی بیشتری برخوردار شده و مکانیسم‌هایی که رهایی از سنت‌ها را امکان پذیر می‌کند، زمینه رهایی روابط اجتماعی و بین فردی را نیز از شرایط و محدودیت‌های اجتماعی و خانوادگی گسترش می‌دهند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹).

در این گفتمان سازی جدید و رواج یافته دیده می‌شود که ارزش‌های خود تحقق

1. Westoff
2. Weeks, j.R

بخشی اساس تغییرات در خانواده به شمار می‌رود و آزادی، عقلانیت، رقابت، خود اتکایی و کم رنگ شدن جهان بینی‌های دینی به عنوان ارزش‌های افراد در زندگی خانوادگی مورد قبول واقع شده که پیامد آن تزلزل در نهاد خانواده بوده است. بنابراین فارغ از داوری ارزشی و هنجاری درباره سمت و سوی تحولات خانواده و ازدواج، باید با این تحولات برخوردی واقع بینانه داشته باشیم و خود را برای نحوه مناسب مواجهه با تحولات حوزه ازدواج آماده کرده و برنامه‌ریزی‌های لازم را در این زمینه اتخاذ کنیم. که همین امر، در گام و شکل اول لزوم مداخله و ورود دست اندرکاران فرهنگی کشور در سطح کلان برای گفتمان سازی‌های جدید پیرامون معناهای کاربردی در حوزه ازدواج جوانان و روان‌شناسان و مشاوران متعهد و دلسوز در جهت آگاه سازی پیرامون این روند و کاربر روی ارزش‌ها و معناهای ثبات بخش به نهاد خانواده و ملاک‌های انتخاب همسر و آگاهی‌های شناختی قبل از ورود به راه ازدواج را نشان می‌دهد.

زیرا در جهان صنعتی امروز، مدرنیته نظم جدیدی را زمینه ساز شده که در سبک زندگی، عادات، ارزش‌ها و شیوه‌های تفکر و معناهای ذهنی افراد تحولاتی را ایجاد کرده است و به تبع آن ارزش‌ها و معناهای خانوادگی نیز در حال دگرگونی می‌باشد. در چنین شرایطی ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و هنجارهایی که الزامات و نیازهای ساختار جدید را تأمین می‌کند، به وجود آمده و الگوهای جدید زندگی و ازدواج با سبک‌های خاص خود در حال ظهور است. و در این راستا نقش رسانه‌ها بسیار مهم می‌شود.

گیدنز در این زمینه نقش رسانه‌ها را بسیار موثر دانسته و آن را ابزار بسط و گسترش مدرنیته و ارزش‌های حاکم بر آن به تمام دنیا می‌داند که توانسته است با تسهیل و سرعت بخشی ارتباطات فردی و گروهی، فضای جهانی را متحول کند و از مرزهای زمانی و مکانی بگذرد (گیدنز، ۱۹۹۰) که این کار را از راه‌های انتقال ضمنی و نمادین پیام‌ها به خانواده در روند بازتولید فرهنگی، با انتخاب اینکه چه عناصری از فرهنگ را انتقال

دهند، انجام می‌دهند (فیسک و هارتلی^۱، ۲۰۰۳). به این معنا که متون رسانه‌ای با نحوه بازنمایی خود از الگوهای تبادلی درون نظام خانواده می‌توانند باعث ایجاد ارزش‌ها، معناها و یا سبک‌های زندگی خاصی و یا برعکس حذف و به حاشیه راندن الگویی ارزش یا سبک تفکر و زندگی دیگری شوند.

برطبق نظریات گفتمان سازی لاکلا و موف^۲ (۱۹۸۵) چگونگی تبدیل شدن یک گفتمان به تسلط فرهنگی یا هژمونی فرهنگی^۳ از طریق تبدیل آن گفتمان به تصور اجتماعی^۴ باید صورت گیرد که برای این منظور از دو ابزار "برجسته سازی" و "حاشیه رانی" اقدام به اسطوره سازی در پدیده مورد نظر می‌شود. اسطوره نیز برای فراگیر شدن باید خود را عام و جهان شمول و پاسخ گوی همه نیازها و تقاضاهای موجود در جامعه نشان دهد و شکل آرمانی و استعاری به خود بگیرد. بدین شکل اسطوره‌ها با ایجاد یک فضای استعاری و آرمانی به تصور اجتماعی تبدیل می‌شوند. که البته برای تبدیل اسطوره به یک تصور اجتماعی علاوه بر نیاز به خلق فضای استعاری دو شرط "قابلیت دسترسی" به آن گفتمان، به معنای در دسترس قرار گرفتن ساده در زمینه و موقعیت افکار عمومی، و "قابلیت اعتبار" به معنای سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه، از اهمیت بالایی برخوردار است (سلطانی، ۱۳۸۴).

در این زمینه رسانه‌های عمومی مثل سینما، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزارهای تحقق بخشی سیاست‌های فرهنگی در سطح جامعه به دلیل داشتن هر دو شرط در دسترس قرار دادن کردارهای زبانی و غیرزبانی در سطح جامعه و اعتبار بخشیدن به آنها زمینه گفتمان سازی و تبدیل آن به هژمونی فرهنگی را برعهده دارند.

کردارهای زبانی و غیرزبانی مهمترین بازوی "برجسته سازی" و "حاشیه رانی" گفتمان‌ها به حساب می‌آیند. در این میان نقش کردارهای زبانی که محمل عمده آن

1. Fiske, J & Hartley, J
2. Laclau, E & Mouffe, C
3. Cultural Hegemony
4. Social Imagination

کالاهای فرهنگی مثل سینما، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی است، بسیار اثرگذار می‌باشد. با این حال به نظر می‌رسد بخش عمده کردارهای زبانی گفتمان فرهنگی در جامعه ایران به خصوص در حوزه خانواده و ازدواج که انتظار می‌رود از طریق دستگاه رسمی فرهنگی به اجرا درآید، به عنوان ضد گفتمان رسمی فرهنگی عمل می‌کند و ارزش‌ها، معانی، سبک‌های تفکر و زندگی‌های خاص خانوادگی و ازدواج را رواج و برجسته سازی می‌کند که در گذشت زمان تغییرات ناکارآمد ساختاری، اخلاقی و ارزشی و به تبع آن اختلال در کارکردهای خانواده و کم شدن استحکام آن را باعث شده است.

که البته در کنار توجه به این عوامل سطح کلان، توجه به عوامل خرد نیز در این زمینه با اهمیت می‌باشد. از آنجا که در گذشته خانواده تنها مرجع انتقال مهارت‌ها و آگاهی‌ها بود، اما پیچیدگی اوضاع زندگی امروز باعث کم رنگ شدن نقش خانواده در انتقال مهارت‌ها شده و عدم برنامه‌ریزی نهادها و سازمان‌های متولی، مانند رسانه‌ها و نظام آموزش و پرورش و بهداشت برای آموزش مهارت‌های ازدواج داخل مسیر ازدواج، خلأ جدی در این زمینه به وجود آورده است.

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش پیشنهاد میشود رویکردهای سیاست گذاری کلان در کشور، در جهت انطباق‌پذیری خانواده‌ها با شرایط ساختاری و گفتمان سازی پیرامون ارزش‌ها و معناهای استحکام بخش ازدواج و خانواده شکل بگیرد. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود که آموزش‌های مشاوره‌ای پیش از ازدواج و پس از ازدواج به صورت گسترده و سازمان یافته از طریق نهادهای متولی مانند آموزش و پرورش و شبکه‌های سلامت و بهداشت و رسانه عمومی صدا و سیما و با به کارگیری مشاوران روان‌شناسان متعهد، دوره دیده و با تجربه در این زمینه؛ بر اساس مفهوم سازی دقیقی از ماهیت، اهداف و ویژگی‌های ازدواج موفق در جوانان ایرانی در اختیار خانواده‌ها قرار بگیرد.

منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: نشر سمت.
- استرابرت، ه؛ کارپنتر، د. (۲۰۰۷). *تحقیقات کیفی در پرستاری: پیشرفت در زمینه ویژگی‌های انسانی*. (ترجمه: خاچیان، آ؛ شوکتی احمد آباد، م). (۱۳۸۹). تهران: نشر سالمی.
- اصلاحی، ف؛ ابوالمعالی، خ، اصغر نژاد، ع و خلعتبری، ج. (۱۳۹۹). بررسی استعاره‌های مبتنی بر ذهن آگاهی در ادبیات مولانا. *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۹ (۷۳): ۵۹-۹۸.
- بهزاد، د. (۱۳۹۰). سنجش باورهای غیرمنطقی جوانان پیش از ازدواج. دومین همایش ملی روان‌شناسی - *روان‌شناسی خانواده*، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- پورکسمایی، م. (۱۳۹۵). *بررسی بین‌نسلی نگرش به ازدواج*. کنگره بین‌المللی جامع علوم اجتماعی ایران، برگزاری بصورت وینار، موسسه نمودار توسعه داتیس
- https://www.civilica.com/Paper-CSSG02-CSSG02_017.html.
- ترابی، ف و مسگرزاده، س. (۱۳۹۵). *جامعه‌ی مخاطره‌آمیز و میانگین سن زنان و مردان در نخستین ازدواج ایران*. زن در توسعه و سیاست، ۱۴ (۴): ۴۹۳-۵۱۲.
- جاودان، م. (۱۳۹۸). رابطه علی سلامت روان، سبک زندگی، مهارت‌های زندگی و کیفیت زندگی زناشویی با میانجی‌گری باورهای ارتباطی و بخشودگی و انتظارات قبل از ازدواج. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*. ۱۰ (۳۶): ۸۷-۱۱۱.
- دالاس، ر؛ وترو، آ. (۲۰۰۵). *پژوهش‌های کیفی در مشاوره و روان‌درمانی*. ترجمه: کاظمیان، س؛ عروجی، م؛ ابراهیمی، س. (۱۳۹۷). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- دلخמוש، م. (۱۳۹۲). بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی. *روان‌شناسی تحولی*، ۹ (۲۶): ۳۳۱-۳۵۰.
- ساپیر، ا. (۱۳۸۶). *زبان، درآملی بر مطالعه سخن گفتن*. (ترجمه: حق شناس، ع). تهران: نشر سروش.
- سلطانی، ع. (۱۳۸۴). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۷ (۲۸): ۲۸.
- صباغ، ت. (۱۳۸۴). *استعاره‌های قرآن*. (ترجمه: مرعشی، محمدحسین). تهران: نگاه معاصر.
- گیدنز، آ. (۱۹۹۰). *جامعه‌شناسی*. (ترجمه: چاوشیان، ح). (۱۳۹۶). تهران: نشرنی.
- هاشمی، ز. (۱۳۸۹). *نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون*. *فصلنامه ادب پژوهی*، ۴ (۱۲): ۱۱۹-۱۴۰.
- هاشمی گل مهر، م؛ امان الهی، ع؛ فرهادی، ح؛ اصلانی، خ و رجیبی، غ. (۱۳۹۹). ارائه الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۹ (۷۶): ۱۴۱-۱۷۱.

Bernes, K.D. (2005). *The elements of effective counseling*. Opus. Uleth. Ca.

Dunn, D.C. (2004). *Cultural Models and Metaphors for Marriage: An Analysis*

- of Discourse at Japanese Wedding Receptions. *ETHOS*, 32 (4), 348-373.
- Edalati, A., & Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *American Science*, 6 (4): pp 132-137.
- Fiske, J & Hartley, (2003) *Reading Television*. London. Routledge Pub.
- Covocses, Z. (2005). *Metaphor in culture: universality and variation*. New York: Cambridge University Press.
- Covocses, Z. (2010). *Metaphor: A practical Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Culley, S. & Bond, T. (2011). *Integrative counseling skills in action*. Sage Pub.
- Good, W. (1963). *World Revaluation and Family Patterns*. London. Glencoe.
- Gerhardt, C. (2016). Globalizations and families. *Encyclopedia of family studies*, 1-8.
- Gibbs, R.W. (2019). *Cognitive linguistics-foundations of language*, 195-220.
- Hoffman, R.F. (2018). *Metaphor in Science cognition and figurative language*, 393-424.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London, Verso.
- Lakoff, G. (1993). *Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (2003). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G & Johnson, M. (2008). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
- Leung, W. Y. Y. (2008). A contrastive study of Chinese and English metaphors of marriage. *LCOM papers*, 1 (08), 21-35.
- Madathil, J., & Benschhoff, J. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A Comparison of Asian Indians in Arranged Marriages and Americans in Marriages of Choice. *The family journal*. 3: pp 222-230.
- Sulivan, T.J. (2004). The Viability of using various system theories to describe organizational change. *Journal of Educational Administration*, 42 (1): 43-54.
- Toren, N. (2003). Traditional and Transition: Family Change In Israel. *Journal of Family Issues*, 21.
- Tuyn, L. K. (2003). metaphors ,letters and stories. *Holist Nurs Pract*.17 (7):22-26
- Weeks, J.R. (2002). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Wad worth.

